

حسین خانی

جائیکه منطق و استدلال

اثری ندارد

* * *

گاهی از اوقات اختلاف مذاهب و عقاید گوناگون که هر کدام ادعای صحت و منق خود را دارند، بجائی میرسد که دیگر منطق و استدلال و مناظرات و تکررات اثری ندارد، در این هنگام لازم است اعمال و اوامری پیش بیاید که در یک مجلس قطع مناظره شده و حق و باطل در میان جلسه از هم دیگر تشخیص داده شود، از این جریان بمباهله تمیمی آوردند.

قرآن مجید نیز با ساحت کامل از آنکه این چنین جریان و تمویز آن سخن می گوید. (۱) سال دهم از هجرت بود که اختلاف شدیدی بین شیخ اکرم و طایفه مسیحی نجران که در اطراف این سکونت داشتند بوقوع پیوست اختلافی که جز از طریق بمباهله بر طرف نمی شد. هر کدام از مسلمانان و مسیحیان شدیدی در صحت عقاید خود سر بودند که شریعت برای حل محاسمه جز بمباهله پیمانند بر اثری آنی داشت و زودتر در مشن طایفه طرفین را ثابت می کرد.

نه تنها مفسرین شده بلکه تمام مفسرین طایفه در این مسأله اختلافی ندارند که پیشاهله در بارگاه بیت ازل شده و در اداز کلمه «انی» در این آیة علی علیه السلام است همان شخصیت بارزی که از پیغمبر بنزله حارون انبوسی بود، آری قرآن مجید، علی (ع) را شیخ اکرم معرفی کرده است. از این رو است که علی علیه السلام در روز تشکیل شوری برای تعیین خلیفه مسلمین، در مقام معرفی خود، بنا بر نقل دابین حجره، در رسوائی، چنین فرمود:

(۱) «فمن حاجك فيه من بعد ما جئتك من العلم فقل تعالوا ندع ابنائنا ابائكم ونائنا وائتكم وائتسنا وائتسكم ثم نسهل فتجعل لعنة الله على الكاذبين» (سورة آل عمران آیه ۶۱)

«پس برای پیغمبر، هر که با او بود علم تو (یعنی بودن من خود) بسوی تو آمده، در باره عیسی یا تو مجادله کند بگو (به آنها) بیائید پسران و زنان نقوش خویش را بخوانیم و تشریح کنیم. آنکه لعنت خدا را بر دروغگویان نمانیم»:

«ای اهل شوری بخدا قسم اگر در میان شما کسی نزدیکتر از من به نبی اکرم وجود دارد؟ پیامبری که پیش قرآن مجید مرا شیخ خود خوانده، خود را معرفی کند، همه جواب دادند نه». امام فخر رازی نیز در تفسیر بزرگ خود این روایت را نقل می کند و بصحت آن اشراف مینماید.

«مخبری در تفسیر خود گفت (۱) در ذیل این آیه چنین مینویسد: هنگامیکه پیامبر، ساری نجران را دعوت بمباهله فرمود، از آنحضرت مهلت خواستند تا در اطراف این دعوت معالجه کنند و برای مداکه پیش استفس بنام «عاقب» رفتند و مصلحت انجام مباهله از وی خواستند. «عاقب» در جواب آنان گفت: «محمد (ص) رسول خدا است و در کتاب انجیل نیز آیهائی چند در تصدیق به نبوت وی وارد شده است ای طایفه نجران بدانید که هیچ قومی با پیغمبری مباهله نکرده جز آنکه هر یک بر آنجا تنگ شده و بالاخره ازین رفته اند، بیاد خود بر گردید و از این عمل خطرناک دست بکشید! ولیکن آنها بصلیحت استغف خود گوش نداده تصمیم بمباهله گرفتند».

موعود بمباهله فراسید، رسول خدا در حالیکه دست حسن را گرفته بود و وی علی علیه السلام و فاطمه (علیها السلام) سر کت می کردند دور نمایان شد، کشیش مسیحی و فقیه از دور این چهره - صاحب آسمانی را مشاهده کرد خطاب طایفه خود گفت: «مبادا حاضر بمباهله شوید، زیرا در اینصورت عذاب خطرناکی برای دین مسیح در پیش است، اگر مباهله کنید تا روز قیامت در روی زمین هیچ فردی سرش پاینده نخواهد شد!!»

این دفعه کلمات کشیش چنان تأثیر عینی در روح پیران خود کرد که پیش پیامبر آمده گفتند: «ما در باره مباهله مطالعه کردیم و المراف آنرا خوب نماندیم و تصمیم گرفتیم با تو مباهله نکنیم ولی در ضمن اینکه برای تو احترام قابل ششم، بر عقیده خود ثابت باشیم، ظن تو در این تصمیم ما چیست؟» پیامبر گرامی فرمود: «اگر حاضر بمباهله نشوید مسلمان شوید و در جاهه مسلمین داخل شوید، طایفه نجران در جواب پیشنهاد آنحضرت قدری تأمل کرده؛ گفتند: «ما نمی توانیم این پیشنهاد تو را قبول کنیم و از تبعیت مسیح و دستورات او کمالها پیران بوده ایم دست بکشیم».

حضرت فرمود اگر این پیشنهاد را قبول نمی کنید پس حاضر بیچنگه شوید در جواب آنحضرت گفتند ما قدرت جنگ با مسلمانان را نداریم و درین حال نیز حاضر نیستیم دست از دین مسیح برداریم ولیکن حاضریم با مسلمانها صلح کنیم و قرارداد عدم تعرض نسبت به هم دیگر ببندیم، با این شرط که مسلمانها نسبت به ما روح خصمانه در پیش نگیرند، و ما را در عمل بدین خود آزاد بگذارند و در مقابل آن متعهد می شویم که هر سال ۳ هزار «قطعه پارچه یمانی» که هزار اتای آن در راه مقبره و قبیه در راه رحیب بمسلمانها بدهیم.

و نیز ۳۰ عدد زره آهن هر ساله بشما تحویل دهیم ، طرفین باین قرارداد اراضی شده عید نامه منعقد گردید .

يك واقعت روشن

اکثر علماء اهل سنت نیز در کتب معتبر خود عقیده دارند که این آیه در شأن اهل بیت نازل شده است و برای نمونه چند خبر زیر را نقل می کنیم :

۱ - حافظ ابو عبدالله مسلم بن حجاج نیشابوری (۱) و احمد بن حنبل در مستدرک (۲) در روایت صحیح از قتیبه از بکیر بن مسمار از عامر بن سعد بن ابی وقاص چنین نقل می کند : روزی معاویه بن ابی سفیان بسعد گفت چرا ابوتراب (علی علیه السلام) را سب نمی کنی جواب داد همان کلامی که از رسول خدا شنیدم که خطاب بعلی علیه السلام میفرمود : یا اباتراب ! ۱۰۰ همین کلام است که جلوسارت مرا است بعلی علیه السلامی که برد تا جائیکه گفت : هنگامیکه آیة ما علیه بر پیغمبر نازل شد آنحضرت فرمود : پروردگارا اینها اهل بیت من هستند .

۲ - طبری در تفسیر خود (۳) و واحدی در اسباب النزول (۴) ادعای خود را در وقت نزول حنفی در بنامع الموده (۵) و سیوطی در در معثور (۶) از جای نقل می کنند که مراد از آن ائمه است و انفسنا و انفسکم در آیه شریفه رسول خدا و علی علیه السلام و مراد از « ابا تا و ابنا تاکم » امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و نسا تا و فاطمه (ع) است .

و بسیاری دیگر از روایات معتبری که از بزرگان علماء اهل سنت ذکر شده است که از باب نمونه اسامی چند نفر از آنوارا نقل می کنیم :

شبلنجی در نور الابصار (۷) و سیوطی در ذخائر العقبی (۸) و کنجی شافعی در کفایة الطالب (۹) و حاکم در مستدرک (۱۰) و ابو نعیم در کتاب دلائل النبوة (۱۱) و بنوی در معالم التنزیل (۱۲) و امام فخر رازی در تفسیر خود (۱۳) ذمه در کتاب تلخیص (۱۴) ابن اثیر در کتاب اسد الغابة (۱۵) ابن جوزی در تذکره (۱۶) قرطبی در کتاب « الجامع لاحکام القرآن » (۱۷) بیضاوی در تفسیر خود (۱۸) ابن حجر عسقلانی در اسباب (۱۹) و شیخ محمد بن طلحه شافعی در مطالب السؤل (۲۰) .

علاوه بر اینها بحرانی در کفایة المرام در موده نزول این آیه در شأن پنج شخصیت بزرگ اسلام ۱۹ حدیث از بزرگان عامه و ۱۵ خبر از بزرگان شیعه نقل کرده است .

(۱) ج-۷ ص ۱۲۰ (۲) ج-۱ ص ۱۸۵ (۳) ج-۳ ص ۱۹۲

(۴) ص ۴۷ (۵) ص ۴۲ (۶) ج ۲ ص ۳۸

(۷) ص ۹۰۱ (۸) ص ۲۵ (۹) ص ۵۴ (۱۰) ج ۳ ص ۱۵۰ (۱۱) ص ۲۹۷

(۱۲) ج ۱ ص ۳۰۲ (۱۳) ج ۸ ص ۸۵ (۱۴) ج ۳ ص ۱۵۰ (۱۵) ج ۴ ص ۲۵

(۱۶) ص ۱۷ (۱۷) ج ۳ ص ۱۰۴ (۱۸) ج ۱ ص ۲۲ (۱۹) ج ۲ ص ۵۰۳

(۲۰) ص ۷